

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره بیست و ششم و بیست و هفتم

پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۳۰ - ۱۰۹

## تاریخ ساسانی در شاخص‌های تاریخ‌نویسی اسلامی (طبری، مسعودی، ابن‌اثیر)

دکتر فریدون الهیاری\*

### چکیده

در میان منابع تاریخ ساسانی، نوشته‌های نویسندگان کلاسیک اسلامی - با وجود اینکه در سده‌های پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان تدوین شده‌اند - به سبب دسترسی بر پاره‌ای متون و سرچشمه‌های اصیل این دوره از جایگاه مهمی برخوردار هستند. بعد از ابن‌واضح یعقوبی که نخستین تاریخ عمومی را در جریان تاریخ‌نگاری اسلامی پدید آورد، شیخ‌المورخین محمدبن جریر طبری مشهورترین تاریخ عمومی اسلام را تدوین کرد و پس از او عمده‌تواریخ عمومی اسلامی - غیر از اطلاعاتی که خارج از حوزه مکانی و زمانی محتوای تاریخ طبری دارند - بر پایه اطلاعات او گردآوری شدند، اما در میان دیگر تواریخ عمومی اسلامی تألیفات مسعودی و ابن‌اثیر به سبب پاره‌ای و ویژگی‌های محتوایی و شیوه تاریخ‌نگاری از دیگر شاخص‌های تاریخ‌نویسی اسلامی هستند که پس از طبری به تفصیل و با امتیازات ویژه‌ای به تاریخ ساسانی پرداخته‌اند. بررسی نگرش و شیوه‌های تاریخ‌نگاری این نویسندگان و شناسایی منابع و مصادری که در تدوین

تاریخ ساسانی مورد استفاده قرار داده‌اند، سنجه‌های مهمی جهت ارزیابی و نقد محتوای تألیفات این نویسندگان درباره تاریخ ساسانی به‌شمار می‌آیند. بنابراین در این مقاله ضمن بررسی نگرش و شیوه‌های این نویسندگان و جایگاه ایشان در تاریخ‌نویسی اسلامی به منابع و سرچشمه‌های اخبار و گزارشهای ایشان درباره تاریخ ساسانی پرداخته شده است. تنوع منابع و اسناد تاریخ ساسانی در نوشته‌های طبری و مسعودی گردآوری گزارشهای متفاوتی را موجب شده که ناشی از تأثیر جریانهای مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قومی با رویکردهای مختلف به تاریخ این دوره است و مقوله‌ای قابل تأمل در بررسی تاریخ ساسانی در تألیفات این نویسندگان به نظر می‌رسد. این اثر با وجود اینکه تاریخ ساسانی را بر پایه گزارشهای طبری ارائه نموده است، اما به سبب پالایش و حذف گزارشهای موازی و متناقض، نتیجه یک فرایند بررسی و انتخاب روایات را نشان می‌دهد.

#### واژه‌های کلیدی

منابع تاریخی، داده‌های تاریخی، تاریخ ساسانی، تاریخ‌نویسی ایرانی، تاریخ‌نگاری اسلامی، شاخص‌های تاریخ‌نویسی اسلامی، نویسندگان کلاسیک اسلامی، متون پهلوی، خداینامه، تاج‌نامه، آیین‌نامه، روش سالشماری.

#### مقدمه

منابع تاریخ ساسانی را که سرچشمه‌های اصلی پژوهشهای تاریخی درباره این دوره با اهمیت تاریخ ایران هستند، می‌توان در دسته‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد. اگر بر پایه تعریفی عام، منابع تاریخی را تمامی بازمانده‌های گذشته - که داده‌های تاریخی را در اختیار مورخ و محقق قرار می‌دهد - بدانیم، با دامنه گسترده‌ای از منابع اطلاعاتی درباره گذشته تاریخی رویه‌رو می‌شویم که برای استخراج مطلوب اطلاعات باید به‌خوبی مورد شناسایی، دسته‌بندی و نقد و بررسی قرار گیرند. در میان دسته‌های مختلف منابع تاریخ ساسانی همچون کتیبه‌ها، نقوش سنگی، ظروف منقوش، آثار معماری و سایر اشیای مادی و متون تاریخی، دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی،

حقوقی، داستانی و غیره، نوشته‌های تاریخی یا منابع تاریخ‌نویسی دسته‌ای مهم را تشکیل می‌دهند که عمدتاً مبنای اصلی و مهم مطالعات تاریخی این دوره به شمار می‌آیند. با وجود ذکر نام بسیاری از متون دینی و غیردینی دوره ساسانی در منابع و فهرستهای مختلف و جریان محتوای پاره‌ای از این نوشته‌ها در قالب‌های گوناگون، امروزه با کمبود اطلاعات درباره تاریخ‌نویسی ایرانی دوره ساسانی مواجه هستیم، زیرا با وجود ارزشهای ویژه این متون در روشن ساختن ابهامات تاریخی این دوره، هدف از تدوین آنها با اهداف تاریخ‌نگاری فاصله بسیاری دارد. با وجود این به قول ایشپولر ایرانیان را نمی‌توان همانند هندی‌ها ملتی فاقد حس تاریخی دانست، زیرا نقش نویسندگان و دانشمندان ایرانی را در تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی تا سده چهارم هجری و پایه‌گذاری تاریخ‌نویسی ایرانی در سده‌های چهارم و پنجم هجری نمی‌توان نادیده انگاشت، اما ایرانیان از ملل با فرهنگی هستند که برخی فواصل تاریخ آنها را باید از منابع بیگانه شناخت (۴/ص ۱۸). دوره ساسانی از زمره این فواصل تاریخی است که تا حد زیادی مبتنی بر منابعی است که عمدتاً از نظر مکانی و زمانی با حوزه جغرافیایی و دوره تاریخی مورد نظر بیگانه‌اند. با وجود اهمیت متون و تاریخ نوشته‌های رومی، چینی، سریانی، ارمنی و غیره، منابع و آثار تاریخ‌نویسی اسلامی مهمترین دسته منابع تاریخ ساسانی به شمار می‌آیند و نباید از نظر دور داشت که نوشته‌های نویسندگان کلاسیک اسلامی نخست به سبب بازتاب محتوای پاره‌ای متون و منابع اصیل ساسانی که اصل و ترجمه عمده آنها از میان رفته و سپس پیوندهای جغرافیایی و فرهنگی پاره‌ای از این نویسندگان با ایران‌شهر یا ارتباط با جریانهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قلمرو اسلامی که رویکردهای متفاوتی به تاریخ ساسانی داشته‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

این مقاله پس از مروری بر چگونگی تکوین تاریخ‌نویسی اسلامی به معرفی شاخص‌های تاریخ‌نگاری اسلامی و امتیازات بخش تاریخ ساسانی این آثار می‌پردازد و با بررسی منابع و سرچشمه‌های متفاوت اخبار و اطلاعات این نوشته‌ها و تأثیرپذیری اخبار و گزارشهای آنها از پاره‌ای جریانهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و قومی که رویکردهای متفاوتی درباره تاریخ ساسانی داشته‌اند، محتوای کلی این منابع را درباره تاریخ ساسانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

### تکوین تاریخ‌نویسی اسلامی و معرفی شاخص‌های آن

درباره چگونگی تکوین و جریان تاریخ‌نویسی اسلامی، نظریات مختلف و پراکنده‌ای وجود دارد، با این حال تاکنون پژوهشی جامع و کامل در بنیانهای تاریخ‌نویسی اسلامی و مراحل تکوین و تکامل آن انجام نگرفته است. اگرچه توسعه جغرافیایی و سیاسی قلمرو اسلامی و حضور ملت‌هایی با پیشینه‌های کهن فرهنگی و مدنی در این قلمرو نقش مهمی در گسترش و رونق فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا نموده، اما هنوز نقش این مدنیت‌ها در تکوین تاریخ‌نگاری اسلامی به روشنی مشخص و تبیین نشده است. این مهم با توجه به کمبود آگاهی‌های روشن درباره تاریخ‌نویسی ایرانی در دوره باستانی به‌ویژه عهد ساسانی، نظریه‌ای را که از دیرینه تاریخ‌نویسی ایرانی و تأثیر آن در تکوین و تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی سخن می‌گوید با ابهام و اشکال روبه‌رو می‌سازد. پژوهشهایی که به تاریخ‌نگاری اسلامی پرداخته‌اند، نخستین نمادهای تاریخ‌نویسی عرب را در اشعار شاعران عرب پیش از اسلام درباره جنگ‌های قبیله‌ای صحراگردان که «ایام العرب» نامیده می‌شدند، می‌دانند. بنابراین عده‌ای گزارش نبردهای قبایل عرب یا «ایام العرب» را نوعی تاریخ‌نگاری دانسته و آن را پایه‌ای برای تاریخ‌نویسی اسلامی می‌شمارند (۵/ص ۱۴). اهمیت فراوان سخنان، رفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) در اسلام، گردآوری این گفته‌ها و کردارها را که در زندگی مسلمانان بسیار مهم بودند، ضرورت بخشید. از این رو علم حدیث، سیره و طبقات پدید آمدند (۵/ص ۱۴). تا پایان سده دوم هجری تاریخ مسلمانان به همان سیره، فتوح، مغازی و طبقات منحصر بود (۱۲/ص ۴۲).

پیشرفتهای سریع مسلمانان و توسعه قلمرو حکومت اسلامی در سرزمینهای متمدن، انبوهی از اطلاعات و اخبار را درباره پادشاهان و ملوک باستانی در شبه جزیره عربستان، بین‌النهرین، ایران، شام، مصر و روم فراروی نویسندگان اسلامی قرار داد که موارد و موضوعات متنوعی برای نگارش تواریخ عمومی گردیدند. در این میان تاریخ ملوک باستانی ایران به‌ویژه ساسانیان در تواریخ عمومی اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نخستین تاریخ عمومی به همت ابن‌واضح یعقوبی مورخ و جغرافیانویس بزرگ اسلامی تدوین شد. او در اصل ایرانی و از مردم اصفهان بود. اما معلوم نیست چگونه نیاکان او از اصفهان به عراق عرب رفتند. پاره‌ای از اطلاعات یعقوبی درباره تاریخ ساسانیان به‌ویژه دینهای ایرانی و مناصب و مشاغل حکومتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس از تاریخ یعقوبی مهمترین تواریخ عمومی در تاریخ‌نگاری اسلامی

که هر کدام به لحاظ برخی ویژگیها به‌عنوان شاخص‌های تاریخ‌نویسی اسلامی در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند به همت مورخان بزرگ مسلمان یعنی طبری، مسعودی و ابن‌اثیر تدوین شدند.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری (متولد ۲۲۴ یا ۲۲۵ هـ) در آمل از شهرهای طبرستان (مازندران) زاده شد. او با دانش‌اندوزی از محضر عالمان و محدثان مسلمان کانونهای بزرگ علمی و فرهنگی شرق و غرب اسلامی در بسیاری از علوم و دانشهای متداول عصر خود مهارت یافت (۱۲/ص ۱۳۶ و ۳/ص ۴۲۴). اما به‌طور ویژه در علم حدیث و فقه تخصص داشت. طبری چهار دهه پایانی عمر خود را به نگارش و تدوین اخبار و دانسته‌ها پرداخت. در میان تألیفات متعدد وی دو اثر معروف او یعنی تفسیر جامع‌البیان عن تأویل القرآن و تاریخ الرسل و الملوک و اخبارهم اعتبار و شهرت فراوان طبری را در علوم اسلامی و تاریخ موجب شدند. امتیازات ویژه تاریخ طبری و جایگاه رفیع آن در تاریخ‌نویسی اسلامی او را به‌عنوان «شیخ‌المورخین» اسلامی مشهور ساخته است. اما نباید از نظر دور داشت که او نخستین حدیث‌شناس بلندپایه بود و در واقع به اعتقاد گیب، تاریخ طبری مکملی برای تفسیر اوست (۱۶/ص ۲۳). اشیولر نوشته‌های طبری را منطبق با شیوه نویسندگی عرب بر پایه نظریه «تاولیس کوالسکی» درباره نوشته‌های عربی که آنها را نوعی کلمات قصار به‌شمار آورده، می‌داند (۵/ص ۱۹-۲۰). بنابراین طبری به این شیوه، بسیاری روایات را بدون ارزیابی و تهذیب درباره رویدادهای گوناگون که برخی نیز تکراری یا متناقض و متضاد هستند، کنار یکدیگر تنظیم نموده و قضاوت و انتخاب صحیح را به خواننده سپرده است. به هر روی طبری در سده سوم و دهه نخست سده چهارم هجری بزرگترین و مهمترین تاریخ عمومی اسلامی را تدوین نمود که به‌سبب دامنه گسترده موضوعی و اشمال بر انبوهی از روایات گوناگون، بسیار مورد توجه مورخان مسلمان قرار گرفت و عمده تواریخ عمومی اسلامی که بعد از تاریخ بزرگ او تدوین شدند، - در مورد غیر از اطلاعاتی که خارج از حوزه مکانی و زمانی محتوای تاریخ طبری است - بر پایه آگاهیها و گزارشهای او گردآوری شده‌اند. به همین دلیل تاریخ طبری یکی از شاخص‌های تاریخ‌نویسی اسلامی درباره تاریخ ساسانی است.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی مورخ و جغرافیدان بزرگ اسلامی، متولد حدود ۲۸۰ هـ. در بغداد و متوفای ۳۴۵ هـ. در فسطاط (قاهره قدیم) پس از طبری

نویسنده دومین تاریخ عمومی بزرگ اسلامی در سده چهارم هجری است. او از بازماندگان خانواده عربی از کوفه و منسوب به عبدالله بن مسعود، صحابی بزرگوار پیامبر اسلام (ص) بود. مسعودی نیز همچون طبری به شوق فراگیری دانش عرصه پهناوری از قلمرو شرق و غرب اسلامی و حتی پاره‌ای سرزمینهای غیر اسلامی را در نوردید و با بسیاری از دانشمندان و علمای عصر خویش دیدار کرد. طبری نیز از جمله کسانی بود که مسعودی با او ملاقات داشته است. بسیاری از علمای رجال شیعه، مسعودی را شیعه‌مذهب می‌دانند.

مسعودی در دوران حیات خود آثار فراوانی را تدوین کرد. بزرگترین آثار وی کتابهای اخبار الزمان در سی جلد و الاوسط به عنوان خلاصه‌ای از آن کتاب عظیم بوده است. از میان حدود سی و شش کتاب منسوب به مسعودی تنها دو کتاب *مروج الذهب* و *معادن الجواهر و التنبیه و الاشراف* باقی مانده است. *مروج الذهب* قطعه‌ای از *اخبار الزمان* است و *التنبیه و الاشراف* نیز به عنوان دومین اثر بر جای مانده مسعودی خلاصه فلسفی همین اثر عظیم اوست (۲۵ / ص ۶۳). آثار به جای مانده از مسعودی از جهت ترکیب و تنظیم موضوعی، به کلی متفاوت از تاریخ طبری و دیگر تواریخ اسلامی است. گیب در این باره می‌نویسد: «مسعودی در واقع در بین مورخین عرب پایگاه ویژه‌ای دارد ولیکن ترکیبات عمیق که آثار مکتوب وی را در ابهام فرو برده دریافت ایده واقعی روشهای او را مشکل می‌نماید» (۱۶ / ص ۲۳-۲۲). او دامنه بررسیها و تحقیقات خود را از مطالعات اسلامی فراتر برده، درباره تاریخ ایران، هندوان، رومیان، آداب و سنن یهودی‌ها، مسیحیان و مشرکین نیز به بحث پرداخته است.

یکی دیگر از شاخص‌های مهم تاریخ‌نگاری اسلامی عزالدین ابوالحسن علی معروف به ابن‌اثیر (متولد ۵۵۵، متوفای ۶۳۰ هـ) است. پدر او در دستگاه آل زنگی<sup>۱</sup> شغل دیوانی داشت و در جزیره ابن عمر<sup>۲</sup> مقیم بود. عزالدین در بیست و چهار سالگی به همراه یکی از برادرانش وارد دستگاه اتابکان موصل شد و در این شهر نزد علمای حدیث، نحو و لغت، دانش فراوان اندوخت و در سفرهای مختلف در عراق و شامات با دانشمندان این بخش از قلمرو اسلامی ارتباط یافت. ابن‌اثیر پس از کسب تجربه و اندوختن دانش یا فراغ بال در موصل به گردآوری حدیث و اخبار و نگارش تاریخ پرداخت. او حاصل تحقیق و دانش خود را در چهار اثر عمده ارائه نمود که در این میان

کتاب *الکامل فی التاریخ* معروف‌ترین آنهاست. ابن‌اثیر با تدوین این کتاب بزرگ در سدهٔ هفتم هجری ترقی و پیشرفت مهمی را در تاریخ‌نویسی اسلامی نمودار ساخت. اگر چه اخبار و اطلاعات کامل ابن‌اثیر غیر از مطالبی دربارهٔ تاریخ خلفای اموی اندلس و حوادث مربوط به عصر خود او تا حدّ زیادی مبتنی بر تاریخ طبری است، اما وی انگیزهٔ تدوین این اثر بزرگ و امتیازات آن را علاقه‌مندی خویش به فراگیری تاریخ و پراکندگی مطالب و گاه پرداختن به جزئیات یا اهمال در گزارش پاره‌ای رویدادهای مهم در تواریخی که تا آن زمان نگارش یافته بود می‌داند و می‌نویسد: «من که این نکته را مشاهده کردم شروع به تاریخ جامعی نمودم، حاکی از احوال پادشاهان شرق و غرب و آنچه ما بین آن است. تا برای من در حکم یادداشتی باشد که هنگام فراموشی هر وقت می‌خواهم بدان مراجعه کنم. در این کتاب حوادث تاریخ را از اول زمان شروع کردم و ادامه دادم تا به روزگار خود رسیدم. البته من نمی‌گویم که همهٔ وقایع تاریخ را که مربوط به اقصی نقاط شرق یا غرب باشد دیده‌ام اما می‌توانم بگویم که من در این کتاب مطالبی را گردآورده‌ام که تاکنون در هیچ یک از کتب تاریخی به این صورت نیامده است. و هر کس دقت کند این نکته را از آن در خواهد یافت» (۲/ص ۳-۴). با وجود این امتیاز مهم *تاریخ الکامل* ابن‌اثیر در شیوهٔ تدوین اخبار به روش سالشماري (گرنولوژیک) است. این اثر که تاریخ عمومی بزرگی از خلقت حضرت آدم<sup>(ع)</sup> تا سال ۶۲۸ ه. است. اوج تاریخ‌نویسی به روش سالشماري را در تمدن اسلامی نشان می‌دهد (۱۱/ج ۳، ص ۴۰۷).

#### سرچشمه‌های تاریخ ساسانی در نوشته‌های اسلامی

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، یکی از امتیازات مهم آثار نویسندگان کلاسیک اسلامی در تاریخ ساسانی بازتاب محتوای متون پهلوی برجای مانده از این دوره در حوزه‌های تاریخی، اعتقادی، اخلاقی و داستانی است که در سده‌های نخست فرمانروایی عباسیان کوششی شایسته جهت ترجمهٔ بخش مهمی از این آثار صورت پذیرفت. بر پایهٔ گزارش‌های آگائياس مورخ رومی (متوفی ۵۸۲ م) و تئوفیلاکتوس نویسندهٔ رومی سدهٔ ششم میلادی، در زمان ساسانیان نیز رسم سالنامه‌نویسی دوران هخامنشی معمول بوده است (۱۴/ص ۹۷ و ۸/ص ۲۶۹-۷۰)، اما در واپسین سدهٔ حیات پادشاهی ساسانی موجی مهم برای نگارش تاریخ و متون اخلاقی و سیاسی و غیره پدید آمد (۱۴/ص ۹۵). لوکونین

معتقد است این موج، تکاپوهای پس از شورش مزدک در سده ششم میلادی را نشان می‌دهد که در پی به لرزه درآمدن بنیانهای اورنگ، شاهان ساسانی در صدد پایدار جلوه‌گر ساختن حکومت و سنتهای سیاسی آن بود (۱۸/ص ۹-۱۱). اگر چه بسیاری از این متون پهلوی که حاوی اطلاعات و آگاهیهای تاریخی بودند، در سده‌های دوم و سوم هجری به عربی و فارسی ترجمه شدند، اما امروزه هیچ اثری از این متون و نوشته‌های اصیل ساسانی یا ترجمه‌های آنها به طور مستقل بر جای نمانده است، بنابراین یکی از مهمترین امتیازات تواریخ کلاسیک اسلامی همچون نوشته‌های یعقوبی، ابن‌قتیبه دینوری، طبری، حمزه اصفهانی، مسعودی، ابن‌مسکویه، جاحظ، ابن‌اسفندیار، عوفی، بیرونی، شاهنامه فردوسی و غیره بازتابی است که از مفاهیم و آگاهیهای متون پهلوی ساسانی همانند «خودای‌نامگ»، «آیین‌نامگ»، «نامه تنسر» «پیشینگان‌نامگ»، «تاج‌نامگ»، «وهرام‌چوین‌نامگ» و «مزدک‌نامه» در بردارند. البته نویسندگان متقدم اسلامی علاوه بر متون پهلوی به پاره‌ای منابع روایی و شفاهی و اسناد دیگر نیز دسترسی داشته‌اند که شناسایی این منابع و گاه ارتباط آنها با پاره‌ای جریانهای سیاسی، اجتماعی، قومی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد.

### منابع طبری در تاریخ ساسانی

سرچشمه‌ها و مصادر روایات و گزارشهای طبری را در تاریخ ساسانی می‌توان در چهار بخش عمده مورد بررسی قرار داد.

الف - متون پهلوی ساسانی: در میان متنهای مختلف پهلوی ساسانی «خداینامه» یا «خودای‌نامگ» مهمترین تاریخ پهلوی ساسانی و منبع نویسندگان اسلامی درباره تاریخ ایران پیش از اسلام بود. همان‌گونه که از عنوان این کتاب برمی‌آید، نامه شاهان یا تاریخ آنها بوده است. زیرا در ایران ساسانی به سبب دیانت زرتشتی درباره آفریدگار و مالک هستی، تعبیر «اورمزد» را به کار می‌بردند و واژه «خدا» برای پادشاهان به کار برده می‌شد. اما پس از پذیرش اسلام مسلمانان ایرانی از به کار بردن عبارت زرتشتی «اورمزد» درباره «الله» اکراه داشتند. از این روی کلمه «خدا» یا «خوتای» به عنوان برابر پارسی «الله» به کار برده شد. به همین سبب «خداینامه» دوره ساسانی نیز در دوران اسلامی به «شاهنامه» تبدیل شد (۲۳/ص ۱۴). بر پایه شاهنامه بایستقری (منسوب به



بایسنقر شاهزاده تیموری) که یکی از ترجمه‌های خداینامه ساسانی است، این کتاب در اواخر دوره ساسانی به وسیله یکی از موبدان و دانشوران آن دوره درباره تاریخ ایران از کیومرث تا زمان پادشاهی خسرو دوم (۶۲۸ - ۵۹۰ م) به زبان پهلوی ساسانی نوشته شد و رویدادهای مربوط به دوران پس از خسرو دوم نیز در پی فروپاشی پادشاهی دودمان ساسانی به وسیله افرادی دیگر بر آن افزوده شد (۱۹ / ص ۱۶۵ و ۷۱-۷۰ / ص ۲۷۰). از این رو گزارشهای پایانی خداینامه به سبب گردآوری و نگارش به دست افراد مختلف، پراکنده و دارای اختلاف هستند. خداینامه ساسانی علاوه بر تاریخ این دوره حاوی اندرزهای پادشاهان ساسانی در قالب خطبه‌های هنگام جلوس و وصایای ایشان است (۱۹ / ص ۶۶). مترجمان مختلف خداینامه به عربی نامهای گوناگونی مانند: «سیر ملوک الفرس»، «تاریخ ملوک الفرس» و «تاریخ ملوک بنی ساسان» بر ترجمه‌های خود نهاده‌اند (۱۰ / ص ۷). معروف‌ترین ترجمه عربی خداینامه از ابن مقفع (۱۴۴ - ۱۰۶ هـ) بود (۱۴ / ص ۹۸). علاوه بر ترجمه ابن مقفع که «سیر ملوک الفرس» خوانده می‌شد، ترجمه‌های بسیار دیگری نیز از خداینامه پدید آمد. پاره‌ای معتقدند این ترجمه‌ها غالباً از روی کتاب ابن مقفع نوشته شده‌اند (۱۹ / ص ۱۶۸). حمزه اصفهانی از وجود ترجمه‌های مختلف از خداینامه و پراکندگی و اختلاف روایات آنها گله می‌کند و سپس از چند جلد از ترجمه‌هایی که در اختیار دارد و از مترجمین آنها نام می‌برد (۱۰ / ص ۷). نولدکه منبع عمده تواریخ عربی و فارسی را خداینامه ساسانی می‌داند و انطباق گزارشهای نوشته‌های اسلامی، مانند تاریخ طبری را با شاهنامه فردوسی ناشی از بهره‌گیری آنها از یک منبع مشترک و رسمی بیان می‌کند (۲۴ / ص ۱۴-۱۳). البته تفاوت‌های اخبار و اطلاعات منابع اسلامی درباره دوره پایانی تاریخ ساسانی ناشی از گردآوری و نگارش این بخش توسط افراد مختلف و ترجمه‌های متفاوت است. یکی دیگر از منابع پهلوی تاریخ ساسانی که مورد استفاده طبری قرار گرفته است، متن پهلوی «تاج‌نامگ» یا ترجمه عربی آن «التاج» است. ابن ندیم در دو جا، یکی در ذیل ترجمه‌های ابن مقفع از کتابی به عنوان التاج فی سیره انوشیروان و در جای دیگر با عنوان التاج نام برده است (۳ / ص ۹۶-۹۳). به همین سبب پاره‌ای «تاج‌نامه» را عنوان کتابهای متعددی در دوره ساسانی می‌پندارند (۱۴ / ص ۱۰۶). زیرا در گزارشهای نویسندگان مسلمان از «تاج‌نامه» مطالبی مشاهده می‌شود که هیچ ارتباطی با خسرو اول انوشیروان (۵۷۹ - ۵۳۱ م) ندارند، از این رو «تاج‌نامگ»

مجموعه‌ای حاوی سخنان، دستورات و فرمانهای پادشاهان ساسانی و احتمالاً مکاتبات آنها بوده است (۱۴/ص ۱۰۶ و ۸/ص ۲۴۹-۵۰). کریستن سن معتقد است نامه‌های شاهنشاهان ساسانی که طبری از آنها یاد می‌کند، مانند نامه شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م) به حکام ایالات، نامه بهرام چهارم (۳۹۹-۳۸۸ م) به سران سپاه و نامه خسرو اول به پادگوسبان<sup>۳</sup> آذربایجان از «تاج‌نامگ» گرفته شده‌اند (۱۴/ص ۱۰۶). «وهرام چوبین نامگ» که متنی پهلوانی درباره سرگذشت بهرام چوبین سردار مشهور ساسانی است نیز از منابع تواریخ عربی و فارسی و در نتیجه طبری بوده است.

ب- اخبار رومیان عرب: دسته‌ای دیگر از سرچشمه‌های تاریخ ساسانی را در نوشته‌های طبری روایات پاره‌ای از رومیان عرب تشکیل می‌دهند که به نحوی با تاریخ شاهنشاهی ساسانی آشنایی یافته‌اند. به اعتقاد نولدکه، طبری در گزارشهای تاریخ پیش از اسلام به درستی سلسله رومیان را ذکر نمی‌کند، گاه تنها نام راوی قدیمی را بیان می‌دارد که خبری را با واسطه از او شنیده و در برخی موارد نیز از ذکر نام او صرف نظر می‌کند (۲۴/ص ۱۲-۱۳). مهمترین شخصی که طبری از روایات و گفته‌های او در تاریخ ساسانی و دولت عربی حیره<sup>۴</sup> بهره فراوان برده هشام بن محمد کلبی است. پدر هشام از انساب و سرگذشت‌های عرب آگاهی بسیار داشت (۳/ص ۱۶۰). او نیز اخبار و انساب عرب را از پدر و دیگر رومیان عرب شنیده (۳/ص ۱۶۱) و در تاریخ پادشاهی حیره علاوه بر آگاهی از طریق روایات خبرپردازان مختلف از منابع و تواریخ نوشته شده در حیره نیز استفاده فراوان نموده است. او خود در این باره می‌گوید: «من اخبار عرب و نسب‌های ایشان و نسب‌های آل‌نصر بن ربیع و مقدار زندگی کسانی را که از آنان بهر آل کسری حکمفرمایی کرده‌اند و نیز تاریخ نسب ایشان را از کتابهای اینان در حیره استخراج کردم» (۱/ص ۱۸۱). بدین روی بسیاری از آگاهیهای تاریخی هشام درباره آل لخم از اسناد مذهبی و سالنامه‌های حیره است. ابن ندیم آثار و نوشته‌های بسیاری را به هشام نسبت می‌دهد. پاره‌ای از این نوشته‌ها که فقط نام آنها در فهرست ابن ندیم باقی مانده است، مانند: کتاب ملوک کندی، کتاب ملوک الیمن من التبايعه، کتاب أخذ کسری رهن العرب و کتاب المنذر ملک العرب به لحاظ عنوان بی‌ارتباط با تاریخ ساسانی نیستند (۳/ص ۶۶-۱۶۱). اگر چه موضوع غالب این آثار درباره تاریخ قبایل و دولت‌های عرب است، ولی به سبب پیوند گسترده‌ای که در رویدادهای تاریخی آنها با تاریخ ساسانی وجود دارد می‌توان آنها را

سرچشمه‌های مهمی برای تاریخ ساسانی شمرد. طبری در بسیاری از بخشهای تاریخ پادشاهی حیره و پیوندهای ایشان با شاهنشاهی ساسانی به‌عنوان امارتی دست‌نشانده از روایات هشام بهره‌گرفته است.

محمدبن اسحاق (ابن‌ندیم) نیز از دیگر راویان عرب است که به اخبار و انساب عرب و سیره پیامبر (ص) آگاهی داشته است. شهرت وی بیشتر در تاریخ اسلام و به سبب تدوین سیره حضرت محمد (ص) است.

ج - اشعار و سروده‌های شاعران عرب پیش از اسلام: پاره‌ای از شاعران و داستان‌سرایان عرب پیش از اسلام به گونه‌ای با دربار شاهنشاهی ساسانی یا پادشاهی عرب حیره راه داشتند و اشعار و سروده‌های ایشان که به‌نحوی به سرنوشت آنها در رابطه با ساسانیان یا مشاهدات و تجارب آنها مربوط است با تاریخ ساسانی ارتباط داشته و در تبیین تاریخ ساسانی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

لقیط بن یعمر ایادی که پاره‌ای او را دبیر امور اعراب در دربار شاهنشاهی ساسانی می‌شناسند، با ابیاتی معروف هنگام عزیمت شاهنشاه ساسانی برای سرکوب هم‌قبیلگان ایادی، آنها را به تهدیدی سخت هشدار می‌دهد. درباره‌ی دوران زندگی این شاعر عرب آگاهی روشنی در دست نیست. پاره‌ای حضور او را در دربار ساسانی و ابیات وی را مقارن شاهنشاهی شاپور دوم (۳۷۹ - ۳۰۹ م) می‌دانند (۲۰ / ص ۳۲). اما شواهد تاریخی به‌خوبی نشان می‌دهد که لقیط معاصر با خسرو اول بوده است (۱۵ / ص ۳۷-۱۳۶). امری‌القیس بن حجر کندی نواده‌ی حارث کندی نیز به سبب حضور در برخوردهای کندیان با حیره و سیاست شاهنشاهی ساسانی در عهد قباد اول (۴۹۶ - ۴۸۸ م) و خسرو اول در دیوان خود، آگاهیهای ارزشمندی درباره‌ی سیاست شاهنشاهی ساسانی در بین‌النهرین و شرق عربستان و روابط با دولتهای عرب حیره و کنده به دست می‌دهد. اعشی یکی از شاعران معروف عرب پیش از اسلام نیز به دربار ساسانی رفت و آمد داشت (۷ / ص ۷۲۲). در بسیاری از بخشهای تاریخ طبری ابیاتی از این شاعران عرب در بیان تاریخ ساسانی نقل شده است.

زندگی پرماجرایی عدی بن زید منشی امور اعراب دربار شاهنشاهی ساسانی و قتل او به دست نعمان سوم (۶۰۲ - ۵۸۵ م) آخرین امیر آل لخم در حیره موضوع بخش مهمی از تاریخ طبری است که با آشنایی پسر عدی یعنی زید با خسرو دوم (۶۲۸ - ۵۹۰ م)

و پیدایش زمینه‌های فرو افتادن پادشاهی حیره ادامه می‌یابد (۱۳/ ص ۷۶۱-۷۴۶). بخش مهمی از اشعار برجای مانده از او که در منابع تاریخی مذکور است، درباره رویدادهای تاریخی و سیاسی است که با توجه به پیوندهای ویژه وی با ساسانیان، روشنگر پاره‌ای از حوادث مربوط به تاریخ ساسانی است، به ویژه اشعار و ابیات او به هنگام گرفتاری در زندان نعمان سوم که در تاریخ طبری مذکور است، بخشی از رویدادهای مربوط به پیوندهای ایران با حیره و فرو افتادن پادشاهی لخمیان را روشن می‌سازد. طبری علاوه بر اینکه پاره‌ای از اشعار او را در بخش مربوط به سرگذشت وی و خاندانش که با فصل مهمی از تاریخ شاهنشاهی ساسانی و حیره مربوط است، بیان می‌کند، اشعار او را در شرح دیگر حوادث تاریخی و بیان نکات پندآموز از رویدادهای مهم تاریخ ایران و عرب به کار برده است. ابیاتی از او درباره سقوط الحضر و سرنوشت ضیزن<sup>۵</sup> و اشعار وی و فرزندش زید که درباره حوادث حیره در دوران خسرو دوم و سرگذشت این خاندان است، در کنار روایات تاریخی طبری بیان شده‌اند (۱۳/ ص ۵۹۲ و ۷۶۰-۷۴۶).

د - روایات و افسانه‌های یمنی: روابط ایران و یمن پیشینه‌ای طولانی در تاریخ دارد، به طوری که در اساطیر ایران و یمن گزارشهایی درباره پیروزیهای دوران اساطیری دو کشور وجود دارد. افسانه‌پردازی‌های یمنی‌ها درباره فتوحات پادشاهان این سرزمین در ایران به دوران ساسانی نیز می‌رسد. گزارشهایی در تاریخ طبری در باب لشکرکشی یکی از پادشاهان حمیری یمن به ایران در دوران شاهنشاهی قباد اول موجود است. بر پایه این روایات «تبع» به سوی ایران لشکر کشید و پس از ورود به حیره پسر برادرش شمر ذوالجناح را به رویارویی با قباد فرستاد. شمر، قباد را ناگزیر به فرار تا نزدیکی ری در مرکز ایران ساخت و سرانجام شاهنشاه ساسانی را در مرکز کشور خود کشت (۲۴/ ص ۲۲۰). این روایت ادامه لشکرکشی شمر را تا سمرقند و چین گزارش می‌کند. با وجود اینکه چنین گزارشهایی بسیار دور از واقعیت هستند ولی طبری بدون تعمق و تفکری این‌گونه گزارشها را در کنار روایات تاریخی خود بیان می‌کند.

منابع مسعودی: مسعودی نیز همانند طبری در بخش تاریخ ساسانی از منابع و مصادر گوناگونی بهره برده است، اما در این میان منابع و متون اصیل ساسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. مطالعه گزارشهای مسعودی به خوبی نشان می‌دهد که او نیز همانند بیشتر مورخان اسلامی به «خداپنامه» به عنوان سرچشمه مهم تاریخ ساسانی توجه ویژه‌ای

داشته است، اما علاوه بر آن دسترسی مسعودی به دیگر منابع و متون پهلوی ساسانی امتیاز ویژه‌ای برای بخش تاریخ ساسانی نوشته‌های او پدید آورده است. یکی از مهمترین متون پهلوی ساسانی پس از «خداینامه» کتابهای «آئین‌نامه» یا «ایوین‌نامه» است. ابن‌ندیم پس از خداینامه بلافاصله از آئین‌نامه نام می‌برد (۳/ ص ۱۹۶). این کتاب رسالاتی را دربارهٔ «آداب و رسوم، مراتب و مقامات بزرگان دولت و نمایندگان طبقات اجتماعی، قواعد و رسوم بازیها، آداب جنگ، آیین‌های برگزاری جشنهای ایرانی مانند نوروز و مهرگان و موضوعات دینی، همراه با ذکر اسطوره‌ها، داستانها، لطیفه‌ها و سخنان حکمت‌آمیز» شامل می‌شد (۸/ ص ۲۸۹). مسعودی از کتاب گاهنامه به‌عنوان یکی از کتب آئین‌نامه یا «کتاب رسوم» نام می‌برد (۲۱/ ص ۹۷-۹۸). به گزارش مسعودی گاهنامه حاوی منصبهای مملکت ایران بود که آن را به «ششصد منصب» مرتب کرده‌اند (۲۱/ ص ۹۷). او دربارهٔ بزرگی «آئین‌نامه» یا «کتاب سوم» می‌نویسد: «... و کتاب بزرگی است در چند هزار ورق که جز به نزد موبدان و دیگر صاحبان مقامات معتبر یافت نشود» (۲۱/ ص ۹۸). بنابراین مسعودی یکی از مهمترین منابع ساسانی را که به قول کریستن‌سن: «خصوصیات تشکیلات دولت و جامعه ایرانی را قبل از عهد ساسانیان و در عهد شاهنشاهی این سلسله در برداشته و قواعد و فن جهاننداری را ذکر می‌کرده است» دیده است (۱۴/ ص ۱۰۱). آئین‌نامه ساسانی به دست ابن‌مقفع به عربی ترجمه شد. مسعودی از مشاهده کتابی دیگر در سال ۳۰۳ هـ. نزد یکی از بزرگ‌زادگان ایرانی در شهر استخر پارس خبر می‌دهد که شامل تصاویر سیمای پادشاهان ساسانی بود. (۲۱/ ص ۹۹). حمزه اصفهانی نیز از این کتاب به‌عنوان «صور ملوک بنی‌ساسان» نام می‌برد که بر پایهٔ تصاویر آن سیمای پادشاهان ساسانی را توصیف نموده است (۱۰/ ص ۲۴). مسعودی دربارهٔ محتوای این کتاب می‌نویسد: «... از علوم و اخبار ملوک و بناها و تدبیرهای ایرانیان مطالب فراوان داشت که چیزی از آن در کتب دیگر چون خداینامه و آئین‌نامه و غیره ندیده بودم، تصویر بیست و هفت تن از ملوک ایران از خاندان ساسانی - بیست و پنج مرد و دو زن - در آن بود و هر یک را به روز مرگ پیر یا جوان با زیور و تاج و ریش و چهره تصویر کرده بودند» (۲۱/ ص ۹۹). به اعتقاد کریستن‌سن توصیف هیأت ظاهری و لباس و زینت پادشاهان ساسانی بر اساس کتاب مذکور آنچنان با حجارها و نقشهای روی ظروف نقره هماهنگ است که نمی‌توان تردیدی در واقعی بودن صور مذکور داشت (۱۴/ ص ۱۰۸-۱۰۷).

گوتشمید معتقد است اندرزهای مربوط به پادشاهان ساسانی، پند و سفارشهایی است که در ذیل تصویر هر یک از شاهان این دودمان آمده است (۶/ص ۳۶). پاره‌ای این کتاب را همان «التاج» معروف می‌شناسند (۱۴/ص ۱۰۸).

مسعودی با محتوای نامه معروف، منسوب به تنسر چهره برجسته سیاسی و مذهبی دوران شاهنشاهی اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۴م) نیز که در پاسخ به پرسشهای ماجشنس (گشنسب) فرمانروای «جبال و دماوند و ری و طبرستان و دیلم و گیلان» نوشته شده است، (۲۱/ص ۹۲) آشنا بود. این نامه، ظاهراً در نیمه دوم سده ششم میلادی تدوین شده است و هدف از تدوین آن پس از سرکوب مزدکیان پاسخ به پرسشهای جدی درباره نظام سیاسی و اجتماعی ساسانی بود. مسعودی درباره محتوای این نامه می‌نویسد: «تنسر وسایل نکو دارد در اقسام تدبیرهای شاهانی و دین که ضمن آن از اردشیر و احوال او سخن دارد و اعمالی که در پادشاهی خود کرده و بدعتها که در دین و ملک آورده که به دوران ملوک سابق نبوده است، توجیه می‌کند که به مقتضای وضع آن روزگار صلاح چنین بوده است. از جمله نامه او به ماجشنس است» (۲۱/ص ۹۳). این مقفع متن پهلوی نامه تنسر را نیز به عربی ترجمه نموده است.

مسعودی علاوه بر متون پهلوی، به کتیبه‌های ساسانی نیز توجه داشته است، به طوری که در بخش مربوط به شاهان ساسانی درباره تصویر شیدار (شبدیز) اسب خسرو پرویز می‌نویسد: «همین اسب است که تصویر آن با پرویز و چیزهای دیگر در کوهستان ولایت قرماسین [طاق‌بستان کرمانشاه] از توابع دینور هست و اینجا با تصویرهای کم نظیر که در سنگ کنده شده از شگفتیهای جهان است» (۲۲/ص ۲۶۷).

علاوه بر متون ساسانی، مسعودی از نوشته‌ها و روایات برخی آگاهان اخبار نیز بهره برده است. یکی از کسانی که در اخبار ساسانیان، مسعودی روایاتی از او نقل کرده است، ابوعبیده معمر بن مثنی است. برخی او را ایرانی نژاد و مظنون به اندیشه شعوبی می‌دانند. وی در کتاب *المثالب عده‌ای* از نزدیکان پیامبر (ص) را مورد سرزنش قرار داده و به همین سبب اعراب چندان نظر خوبی نسبت به او نداشتند، به طوری که در هنگام مرگش هیچ کس بر جنازه او حاضر نشد (۳/ص ۹۲). ابوعبیده در سال ۲۱۰ یا ۲۱۱ ه. درگذشت. کتابهای بسیاری به او نسبت داده‌اند که برخی به موضوعاتی درباره خوارج، موالی و ایران پرداخته‌اند. کتاب *خراسان*، کتاب *خوارج*، کتاب *موالی* و کتاب *فضایل الفرس*

از آثاری هستند که به او نسبت می‌دهند و با مسائل ایران مربوط هستند (۳/ص ۹۳-۹۲). مسعودی بجز روایات ابو عبیده از دیگر روایان عرب نیز خبر آورده است، اما غالباً از ذکر نام راوی پرهیز نموده است. بدین‌رو بخشی از خبرهای مسعودی دور از واقعیت و مشکوک هستند. وی در برخی گزارشها درباره تاریخ ساسانیان به اشعار پاره‌ای شعرای ایرانی که نام ایشان را نیاورده استناد کرده و در واقع در برخی گفتارها به پندارهای قومی نیز اعتنا نموده است.

مسعودی در تدوین نوشته‌های تاریخی خود به تواریخ عمومی و نوشته‌های نویسندگان اسلامی نیز مراجعه کرده است. اگر چه بخش مهمی از تألیفات تاریخی مسعودی از میان رفته‌اند، اما او در آغاز کتاب *مروج الذهب* به شمار زیادی از تواریخ و منابع اسلامی که تا زمان وی تدوین شده و مندرجات آنها را دیده است، اشاره می‌کند. (۲۲/ص ۴-۶).

منابع ابن اثیر: ابن اثیر با وجود فاصله زمانی زیاد با طبری، بخش مهمی از اخبار و روایات تاریخ بزرگ خود را بر پایه گزارشها و روایات او مبتنی ساخته است. قسمت عمده‌ای از نوشته‌های ابن اثیر درباره تاریخ ساسانی، شامل نقل روایات و گزارشهای طبری در چارچوبی تازه است. وی حوادث و رویدادهای تاریخ سیاسی ساسانی را به همان ترتیب طبری البته با تفاوت‌های بسیار اندکی در تقدم و تأخر برخی رویدادها بیان کرده است. وجود روایات گوناگون و موازی درباره رویدادهای واحد در تاریخ طبری، در برخی موارد ابن اثیر را به تنگ آورده و او را ناچار به اختصار گزارشها و حذف روایات موازی و بیهوده نموده است. پیروی ابن اثیر از تاریخ طبری درباره گزارش این دوره تا حدی است که در پاره‌ای از موارد از بیان روایات مشکوک و نادرستی که خود بر ناصوابی آن آگاه بوده صرف نظر نکرده به طوری که به عنوان نمونه گزارش طبری درباره لشکرکشی پادشاه حمیری یمن به ایران و تعقیب قباد تا نزدیکی ری و قتل شاهنشاه ساسانی را در روند حوادث و رویدادهای تاریخی کامل بیان نموده (۲/ص ۸۵-۸۴). به گونه‌ای که خواننده نخست آن را روایتی مورد قبول ابن اثیر می‌پندارد، اما در پی بیان این روایت نسبتاً طولانی می‌نویسد: «... گفتار ابو جعفر بود و البته غلط و نادرست، زیرا همه ایرانیان نوشته‌اند که قباد در روزگار معینی فوت نموده است. چه پس از مرگ قباد فرزندش انوشیروان پادشاه شد و این حتی از قصیده قفانک مشهورتر است...» (۲/ص ۸۵). این

سخن ابن‌اثیر بهره‌گیری او از منابع دیگر و مقایسه گزارشهای طبری را با آنها نشان می‌دهد، با وجود این رعایت ترتیب تاریخی حوادث و رویدادهای تاریخ طبری در کامل ابن‌اثیر التزام او را در بیان گزارشهای طبری نشان می‌دهد.

### گرایش‌های مختلف در گزارشهای تاریخ ساسانی

آن‌گونه که مشاهده شد، نویسندگانی مانند طبری و مسعودی از منابع مختلفی در بیان تاریخ ساسانی بهره برده‌اند. نگرش عمومی این نویسندگان بیان حوادث و رویدادها بدون بررسی تحلیلی و پرداختن به دلایل رخدادهای تاریخی است. به تعبیری بیان اخبار و روایات بدون ارزیابی خیر و نگرش مبتنی بر تقدیرگرایی در منطق بیان تاریخی، ویژگی کلی شیوه تاریخ‌نویسی این نویسندگان است و پندآموزی و عبرت گرفتن از مطالعه تاریخ به‌عنوان برداشتی عامیانه از فایده تاریخ در انگیزه‌ها و اهداف آنها در تدوین تاریخ گذشته مورد توجه قرار گرفته است. بر پایه چنین نگرشی ذکر اخبار و روایات از منابع مختلف در نوشته‌های این نویسندگان موجب بروز گرایشهای گوناگونی گردیده است که باید گزارشهای ایشان بر پایه شناخت مصادر و منابع و ارتباط دید آورانندگان اصلی با جریانها و گرایشهای مختلف سیاسی، اجتماعی، قومی و فرهنگی بررسی گردد. بر پایه چنین نگرشی طبری در بیان تاریخ ساسانی از روایات و اخبار مختلف بدون نقد و سنجش بهره برده است. بنابراین گزارشهای مبتنی بر متون پهلوی، روایات راویان عرب، اشعار شاعران عرب و اساطیر یمنی هر یک بی‌تأثیر از خواست و گرایشهای جریانهای مختلف نیستند. اگر چه روایات و گزارشهای مأخوذ از متون و منابع پهلوی ساسانی گرایش اشراف و نجبای ساسانی را در بردارد اما به‌عنوان نمونه روایات و افسانه‌های اسطوره‌ای یمن درباره قتل قباد، در نزدیکی ری و پیشرفتهای چشمگیر یمنی‌ها در شمال شرقی ایران، ماوراءالنهر، سمرقند و حرکت به سوی چین گزارشی وهن آور برای ساسانیان و بر پایه گرایشهای اشراف یمنی بود که با چنین روایات ساختگی برای کاهش بار خواری و خفت تسلط ساسانیان بر یمن پس از آزادی این سرزمین از دست حبشی‌ها تکاپو می‌کردند. بنابراین طبری از ذکر چنین روایاتی که بسیار دور از واقعیت به نظر می‌رسیدند نیز پرهیز نمی‌کند. بسیاری بر ذکر این‌گونه روایات در تاریخ طبری خرده می‌گیرند. نکته جالب توجه خرده‌گیری ابن‌اثیر از عدم تعمق و تفکر طبری درباره همین گزارش است که



خود او نیز آن را نقل می‌کند، اما در حاشیه این گزارش می‌نویسد: «اگر ابو جعفر اندکی فکر درباره این مطالب می‌کرد از نقل آن شرم داشت» (۲/ص ۸۶). با وجود این همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، اخبار این‌اثیر درباره تاریخ ساسانی تا حد زیادی تابع گزارشهای طبری است. یگانه تفاوت نوشته‌های ابن‌اثیر و طبری در تاریخ ساسانی حذف روایات موازی و اشعار و کلمات قصار شاعران عرب پیش از اسلام است.

بر خلاف طبری و ابن‌اثیر در گزارشهای مسعودی گرایش ویژه‌ای استنباط می‌شود که تا حد زیادی متأثر از گرایشها و اندیشه‌های شعوبی است. پاره‌ای از روایات و گزارشهای موجود در *مروج الذهب* مسعودی آن‌چنان دور از حقیقت هستند که انگیزه‌های بیان این‌گونه روایات را نمی‌توان به درستی روشن نمود. به‌عنوان نمونه مسعودی در یک گزارش ساختگی که راوی و منبع آن را بیان نکرده است می‌نویسد: «ایرانیان در آغاز روزگار مال و گوهر و شمشیر بسیار هدیه کعبه می‌کردند، همین ساسان پسر بابک<sup>۶</sup> دو آهوی طلا و جواهر با چند شمشیر و طلای بسیار هدیه کعبه کرد که در چاه زمزم مدفون شد» (۲۲/ج ۱، ص ۲۳۷). بی‌تردید بیان چنین روایت ساختگی در نوشته‌های مسعودی نمی‌تواند بی‌تأثیر از اندیشه‌های شعوبی‌گراانه و تکاپوهای عناصر ایرانی در برابر جریان برتری‌جوی اعراب باشد. بنابراین پاره‌ای از اندیشه‌گران ایرانی در رویارویی با چنین تفکری علاوه بر جلوه‌گر ساختن شکوه و عظمت گذشته خویش در برابر اعراب، از کوشش در ساختن روایات جعلی برای منسوب ساختن ارزشهای نوین به گذشتگان خویش نیز فروگذار نمی‌کردند. مسعودی در ادامه بیان این روایت انگیزه‌های ایرانی را در پرداختن به چنین روایاتی روشن می‌سازد و درباره اهمیت آن برای فخر و مباحات ایرانیان می‌نویسد: «و یکی از شاعران ایران پس از ظهور اسلام، به این موضوع بالیده ضمن قصیده‌ای می‌گوید:

«و ما از قدیم پیوسته به حج خانه می‌آمدیم.

«و همدیگر را در ابطح به حال ایمنی دیدار می‌کردیم.

«و ساسان پسر بابک همی راه پیمود تا به خانه کهن رسید.

«که از روی دینداری طواف کند. طواف کرد و

«به نزد چاه اسماعیل که آب‌خوران را سیراب می‌کند زمزمه کرد» (۲۳/ج ۱، ص ۲۷-۲۲۶).

بدین روی این بخش از سخن مسعودی و اشعار شاعر ایرانی به‌خوبی بروز

گرایش و خواست ایرانیان را در چنین اخباری روشن می‌سازد. وجود این‌گونه روایات در نوشته‌های مسعودی کم نیست و می‌توان نمونه‌های بسیاری را ذکر کرد.

در مقایسه اخبار و روایات مسعودی با طبری و ابن اثیر می‌توان دریافت که او بیش از دو نویسنده دیگر از منابع و متون رسمی ساسانی استفاده کرده است. همان‌گونه که اشاره شد این اخبار بیشتر تابع انگیزه‌ها و خواست اشراف و روحانیون ساسانی هستند. به‌عنوان نمونه در اخبار مربوط به پادشاهی هرمز چهارم (۵۹۰ - ۵۷۹ م) طبری به نقل از هشام بن محمد کلبی نیکی و رفتار خوب او را نسبت به مستمندان ستوده و پس از بیان دشمنی اشراف با وی او را پادشاهی عادل و نیکوکار معرفی می‌کند (۱۳/ج ۲، ص ۷۲۴). ابن اثیر نیز همین‌گونه از هرمز بن انوشیروان یاد می‌کند (۲/ص ۱۰۰). در حالی که مسعودی درباره پادشاهی او می‌نویسد: «... و پادشاهیش دوازده سال بود. وی با خواص مردم، ستم پیشی گرفت و به عوام متمایل شد و آنها را تقرب افزود و فرومایگان را پر و بال داد و بر ضد خواص برانگیخت. گویند وی در مدت پادشاهیش سیزده هزار مرد بنام از خواص ایران را کشت... وی احکام موبدان را از میان برداشته و روش معقول و شریعت قدیم ویرانی گرفته بود و اصول را تغییر داده و رسوم را هجو کرده بود» (۲۳/ج ۱، ص ۲۶۵). بنابراین با بررسی اخبار و روایات نویسندگان کلاسیک اسلامی می‌توان بروز گرایشهای مختلفی را مشاهده نمود که از طریق تأمل در خیر، شناسایی منبع و ارتباط آنها با جریانهای مختلف قابل نقد و بررسی هستند.

### پرداخت موضوعی تاریخ ساسانی

طبری در گزارش تاریخ ساسانی بیشتر به حوادث و رویدادهای سیاسی همچون تاجگذاری، مدت سلطنت، نبردها و اخباری درباره حوادث داخلی و آثار شهرهایی که احداث آنها منسوب به پادشاهان مختلف ساسانی است، پرداخته است. تشکیل دولت ساسانی و سلطنت پادشاهان مختلف این سلسله به ترتیب و توالی در تاریخ طبری بیان شده‌اند. پادشاهانی که در دوران سلطنت آنها رویدادهای مهمی همچون فتوحات و لشکرکشی خارجی روی داده، بخش مهمتری از محتوای تاریخ طبری را به خود اختصاص داده‌اند. روابط و مناسبات ساسانیان با اعراب که اخبار مربوط بدان علاوه بر منابع ساسانی در «ایام العرب»، حماسه‌ها و اشعار بر جای مانده عربی یا آرشیه‌های

فرمانروایان حیره و غسان آمده است نیز به تفصیل بیان شده است. اخبار و روایات مربوط به دوران شاهنشاهی، پادشاهانی چون اردشیر اول مؤسس سلسله ساسانی، شاپور اول، شاپور دوم، یزدگرد اول، بهرام پنجم، قباد، خسرو اول، خسرو دوم بخش مهمی از تاریخ طبری را در برگرفته‌اند. نبردهای اردشیر با ملوک الطوائف (اشکانیان)، جنگهای شاپور اول با رومیان، اعراب، سقوط هاترا و نبردهای شاپور دوم با اعراب، نارضایتی روحانیون و اشراف ساسانی از یزدگرد بزهکار، پرورش بهرام پنجم در حیره و چگونگی جلوس او بر تخت سلطنت، جنگهای متعدد قباد با روم و روابط او با همسایگان شرقی، پیدایش نهضت مزدکی، سرکوبی مزدکیان، روابط خسرو انوشیروان با روم، فتح یمن، سلطنت خسرو دوم و روابط او با بهرام چوبین، مناسبات خسرو پرویز با روم و پایان کار پادشاهی آل‌لخم در حیره از موضوعات مهمی هستند که با دامنه وسیعی در تاریخ طبری بیان شده‌اند.

کامل این‌اثیر نیز با توجه به بهره‌گیری از تاریخ طبری و منطبق بودن اخبار و اطلاعات آن با گزارشهای او به لحاظ پرداخت موضوعی تاریخ ساسانی تابعی از ترتیب و توالی و موضوعات تاریخ طبری است.

نوشته‌های مسعودی درباره تاریخ ساسانی به سبب اشتغال بر پاره‌ای اخبار و سخنان و گفتارهای پادشاهان و چهره‌های برجسته سیاسی و مذهبی ساسانی که در شناخت ماهیت نظام سیاسی و اجتماعی این دوره، جایگاه مهمی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. البته شرح تاریخ ساسانیان در مروج الذهب مسعودی به لحاظ ترتیب و توالی موضوعات و مباحث تاریخی تابع ترتیب زمانی شاهنشاهی سلاطین این دوره مانند تاریخ طبری است.

#### نتیجه

بر پایه آنچه که گفته شد، وجود و حضور مدنیت‌های بزرگ و کهن در جغرافیای پهناور قلمرو اسلامی زمینه ویژه‌ای برای رشد و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی پدید آورد. کانونهای فرهنگی و مدنی ایران و تاریخ گذشته آن به لحاظ تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی و موضوعات ویژه تاریخی امکان مهمی برای تکوین و تکامل تاریخ‌نویسی اسلامی فراهم ساخت. با اینکه گزارشهای منابع اسلامی درباره سلسله‌های پیش از ساسانیان

بر پایه داستانهای اساطیری است، اما روایات این نویسندگان درباره ساسانیان مبتنی بر منابع تاریخی متفاوت به‌ویژه متون پهلوی ساسانی است. علاوه بر متون پهلوی ساسانی که گزارشهای آنها بر اساس گرایش جریان رسمی روحانیت و اشراف ساسانی شکل گرفته، به سبب سیاست فعال ساسانیان در سرزمینهای پیرامون به‌ویژه بین‌النهرین و یمن و ارتباط تاریخ کشورهای حیره و یمن با تاریخ ساسانیان، برخی گزارشهای تاریخ ساسانی بر پایه روایات تاریخی آنهاست. همچنین جریانهای مختلف قومی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قلمرو اسلامی پاره‌ای گرایشها و تمایلات خود را در قالب خبرپردازیهایی که در تاریخ ساسانیان بازتاب یافته‌اند، بروز دادند. بنابراین شناسایی دسته‌های مختلف مصادر و منابع تاریخ ساسانی در نوشته‌های اسلامی و تأمل در بازتاب گرایشهای مختلف در محتوای این تألیفات ضروری است.

طبری و مسعودی از جمله مورخان اسلامی هستند که بر بخش مهمی از منابع مختلف دسترسی داشته‌اند. بنابراین در گزارشهای ایشان می‌توان رگه‌هایی از گرایشهای مختلف را یافت که شناخت منابع خبر و انگیزه‌های پدیدآورندگان در استناد به اخبار این نویسندگان ضروری است. این‌اثر که تاریخ ساسانی را بر پایه گزارشهای طبری و دیگر نویسندگان اسلامی تدوین کرده با نگاهی تیزبینانه به ساماندهی اخبار متنوع و متناقض پرداخته است.

ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### پی‌نوشت

- ۱- از خاندانهای حاکم شمال بین‌النهرین.
- ۲- جزیره ابن عمر شهری در بالای موصل در کنار دجله است و چون آب، پیرامون آن‌را فراگرفته آن را جزیره می‌گویند.
- ۳- از مناصب مهم نظامی دوره ساسانی است که زیر نظر سپاه‌بازان انجام وظیفه می‌کردند و در اواخر دوره ساسانی علاوه بر امور نظامی در اداره امور کشوری ایالات نیز نقش داشت.
- ۴- حیره شهری در نزدیکی کوفه.
- ۵- ضیون بر پایه منابع اسلامی نام امیر عرب هاترا در کوههای تکریت میان دجله و فرات است.
- ۶- در نوشته‌های اسلامی روایات پراکنده‌ای درباره نسب مؤسس شاهنشاهی ساسانی وجود

دارد. برخی اردشیر را پسر ساسان می‌دانند. در کارنامه اردشیر نیز چنین آمده و شاید از این طریق در منابع اسلامی وارد شده باشد. اما محققان جدید اردشیر را پسر بابک پسر ساسان می‌دانند.

## منابع

- ۱- آذرنوش، آذرتاش. راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تازی (پیش از اسلام)، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴.
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی. اخبار ایران از الکامل، ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹.
- ۳- ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تعلیقات نوین به کوشش مهین جهان بگلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ۴- اشپولر، برتولد. تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، جلد اول، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴.
- ۵- اشپولر، برتولد. تکوین تاریخ‌نگاری ایران، مجموعه مقالات تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، گستره، تهران، ۱۳۶۰.
- ۶- اینوسترانتسلف، ک. تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۱.
- ۷- تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآوری جی. آ. بویل، ترجمه حسن اتوشه، جلد سوم، قسمت اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.
- ۸- تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش دکتر ژاله آموزگار، سخن، تهران، ۱۳۷۶.
- ۹- تفضلی، احمد. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۲، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۰- حمزه بن حسن اصفهانی، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیاء)، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۴.

- ۱۱- دانشنامه اسلام و ایران، زیر نظر احسان یارشاطر، جلد سوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۲- شهابی، ع. احوال و آثار محمد بن جریر طبری، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۳- طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۴- کریستن‌سن، آ. ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۵- کسروی، احمد. شهریاران گمنام، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۶- گیب، ه. آ. ر. ادبیات شرح حال نویسی در اسلام، از مجموعه مقالات تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، گستره، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۷- گیب، ه. آ. ر. (۱۳۶۱)، تطور تاریخ‌نگاری در اسلام، از مجموعه مقالات تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، گستره، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۸- لوکونین، و. گ. تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، چاپ دوم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.
- ۱۹- محمدی ملایری، محمد. فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶.
- ۲۰- مرادیان، خ. کشور حیره در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان از ۲۲۶ تا ۶۳۲ میلادی، بنیاد نیکوکاری نوریانی، بی‌جا، ۱۳۵۵.
- ۲۱- مسعودی، علی بن حسین. التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۲- مسعودی، علی بن حسین. مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۳- مشکور، م. «خداینامه»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال هشتم، شماره ۶، ۱۳۵۲.
- ۲۴- نولدکه. تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، انجمن آثار ملی، تهران، بی‌تا.
- ۲۵- هوار، کلمان، ادبیات جغرافی‌نگاری و تاریخ‌نگاری در اسلام، از تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، گستره، تهران، ۱۳۶۱.